

غریبه دوست داشتنی

مریم دلیر صابر جلالی



بتابستان ۱۳۹۴

نشر شادان

گروه فرهنگی انتشاراتی



دفتر مرکزی :

تهران، کوی نصر (گیشا)، خیابان جوادفاضل جنوبی،
شماره ۱۰۲. تلفن : ۸۸۲۶۷۲۹۸ - ۸۸۲۴۱۰۲۰

www.shadan-pub.com
shadan@shadan-pub.com

فرهنگ و ادبیات

نویسنده : مریم دلیر صابر جلالی

نوبت چاپ : اول - تابستان ۱۳۹۴

ویراستار : مژگان مصطفی

شابک : ۹-۱۶-۳۶۸-۶۰۰-۹۷۸

کتابخانه ملی : ۳۷۹۷۱۱۶

تیراژ : ۲۰۰۰ جلد

قیمت : ۲۱۰۰۰۰ ریال

دلیر صابر جلالی، مریم

غریبه دوست داشتنی - نویسنده : مریم دلیر صابر جلالی

تهران : شادان ۱۳۹۴ ۴۲۳ صفحه /
(برمان ۱۱۸۷)

شابک : ۹-۱۶-۷۳۶۸-۶۰۰-۹۷۸
ISBN : 978-600-7368-16-9

فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی :

<http://opac.nlai.ir>

قابل دسترسی است.

شماره کتابشناسی ملی : ۳۷۹۷۱۱۶

یادآوری : کپی‌برداری و استفاده از این اثر متعلق
به انتشارات شادان است. هرگونه
استفاده از آن با مجوز ناشر مجاز است.



غیرمجاز برای
دانلود رایگان

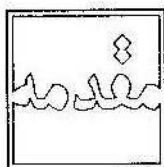
استفاده از کتاب‌های شادان برای قرار
دادن در سایت‌های مختلف - به هر شکل -
غیرمجاز و به دور از اصول اخلاقی است.

آنچه باید، می شود...

آدم‌هایی هستند که با حضوری کوتاه، اثراتی طولانی مدت بر زندگی ما می‌گذارند، مثل یک دوست، همسایه، فامیل یا حتی معلم دبیرستان که من تجربه این آخری را داشته‌ام. کسی که فراتر از ارتباط معمول می‌تواند در افکار و منش آدم تأثیر بگذارد.

بال‌های طولانی از آن دوران درس و مدرسه گذشته برد که برحسب اتفاق دیدمش و گپی چند ساعته زدیم. انگار که در تمام این مدت همدیگر را بارها دیده‌ایم و هیچ حسی از غیبتی میان ما وجود نداشت. خیلی زود چند ساعت گپ گذشتیم از قبل از رفتن، جمله‌ای پرسید که چند روزی ذهن مرا درگیر خود ساخت: «خب، این شاگرد قدیمی بعد از این ساله اگر بخواهد تجربه‌اش را از زندگی بگوید چه جمله‌ای که برای معلمش دارد؟». مدت‌ها بود که از کار تدریس بازنشسته شده بود، اما همچنان موجز و بُرنده سخن می‌گفت و سؤال می‌پرسید. به راستی بعد از این همه سال که تدریس در و دانشگاه و زندگی و کار را پشت سر می‌گذاریم اگر بخواهیم جمله‌ای مثل خلاصه زندگی یا عصاره تجربیات بگوییم چیست؟!

چند روزی تا ملاقات بعدی طول کشید و فرصتی اجباری بود برای مرور زندگی و برداشت من از تمام این سال‌ها، درست مثل دانش آموزی که می‌خواهد پیش آموزگارش درس پس بدهد! اما آمد و کار من را راحت کرد. او برداشت خودش را گفت که در تمام روزهای گذشته از عمر به دست آورده بود:



«گذر عمر به من آموخته است آنچه قرار است بماند، می ماند و آنچه قرار نباشد، نمی ماند. آنچه باید رخ دهد، بدون توجه به احوال ما رخ می دهد و در این بین، زمان است که اغلب مسائل را حل می کند... شاید فقط تعداد کمی از مسائل هستند که با گذر زمان حل نمی شوند و آدمی می آموزد که چگونه آنها را رها کند یا بپذیرد». خیلی مختصر و مفید گفت اما دنیایی تجربه در پس آن بود.

تلاش و پشتکار عوامل مهمی در موفقیت هر آدمی است، اما بخش مهمی از زندگی مسیر خود را بدون توجه به تقلای ما طی می کند، مثل رودخانه ای جاری که دست و پا زدن آدم ها مسیرش را تغییر نمی دهد. ماندنی ها می مانند و رخ دانی نیز رخ می دهند، ما در این میان تأثیری به قدوقاره اطراف خود داریم. ان هم نه همیشه و نه همه جا!

قصه حاضر نیز روایت تلاطم زندگی است با آدم هایی که تقلا می کنند تا بتوانند سختی ها را پشت سر بگذارند. داستان حضور کسانی — چه غریبه و چه آشنا — که گاه آمدنشان برای سال ها تأثیر می گذارد و حسرت رفتنشان، تا پایان عمر بر دل می ماند. حرکت داستان به گونه ای است که انتظار خواننده شادان را برآورده می سازد و ما امیدواریم که با آن خایب درست، رضایت وفاداران همیشه شادان را جلب کرده باشیم.

سورتان، گرم و همیشگی!

همین رحیمی

مرداد ماه ۱۳۹۴ - تهران

سورتان